

# تجربه من از



## مقدمه

مهارت‌های زندگی و آداب اجتماعی (طرح کرامت)، برنامه‌ای است که در قالب فعالیت‌های مکمل آموزش و پرورش به‌عنوان محتوای پنجره‌های باز ساعات پرورشی و در فرصت‌های خالی ساعات سایر دروس اوقات فراغت مدارس دوره راهنمایی تحصیلی (و سایر دوره‌ها) در نظر گرفته شده است و برای اجرای آن از معلمان علاقه‌مند بهره گرفته می‌شود. این چند نوشته تجربه‌هایی است از این طرح که برای استفاده همکاران آورده می‌شود. امید که مورد استفاده قرار گیرد.

## کرامت چیست؟

کرامت را در کتاب‌ها و منابع اسلامی به سخاوت، شرافت، عزت، کثیرالخیر، جواد، بسیار بخشنده، نعمت‌دهنده، عزیز، ارجمند و... معنی کرده‌اند.

خداوند در سوره (ص)، آیه ۷۱ می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُم فِي الْبَيْرِ وَالْبَحْرِ زُرْقَانَهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»: ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری‌شان دادیم.

در این آیه، خداوند گوهر اصلی انسان را موجودی شریف و کریم معرفی می‌کند. بنابراین، اگر انسان راه طبیعی خود را پیماید، گوهر اصیل خود را بازیافته است و اگر عصیان و سقوط را برگزیند از گوهر خود فاصله می‌گیرد (راهنمای عملی: ۱۴).

«تقوا» اساس کرامت و مبنای «معرفت» و «عمل صالح» است. انسان کریم مظهر کرامت خدای کریم است. کریم به کسی گفته می‌شود که کمال لایق خود را دارا بوده و از هر عیب و نقصی منزّه باشد (همان، ص ۱۸ و ۱۹).

پس اگر انسان به‌عنوان خلیفه‌الله می‌خواهد کریم باشد تا مظهر کرامت واقع شود، باید تقوا پیشه کند. همچنین، برای داشتن کرامت و یافتن راه سعادت و کمال باید با توکل به خدا نوع دوست باشد، قناعت کند، رضایتمندی از نعمت‌های خدا داشته باشد و خدا و خلق را از خود راضی کند. ادب و احترام را برای کوچک و بزرگ رعایت کند و وفای به عهد داشته باشد.

صداقت و امانت‌داری را سرلوحه اعمال خود قرار دهد. با عفت و پاک‌دامنی زندگی کند و غیرت و جوانمردی را در همه حال داشته باشد. دوستی با دوستان خدا را فراموش نکند و همدلی با آن‌ها داشته باشد و... این‌ها همه صفات کریمه‌ای است که راه سعادت را برای انسان باز و شهرمان را به مدینه فاضله تبدیل خواهد کرد. ما باید به‌عنوان عضو کوچکی از دریای بزرگ انسان‌ها بکوشیم این صفات پسندیده را در خود و دانش‌آموزانمان تقویت کنیم. من به‌عنوان مجری کوچکی از این طرح خوب و بزرگ تلاش کردم چند هدف را در کلاس‌هایم تقویت کنم. چند تجربه از این کارها را در چند سطر آورده‌ام. امیدوارم که برای عزیزان قابل استفاده باشد.

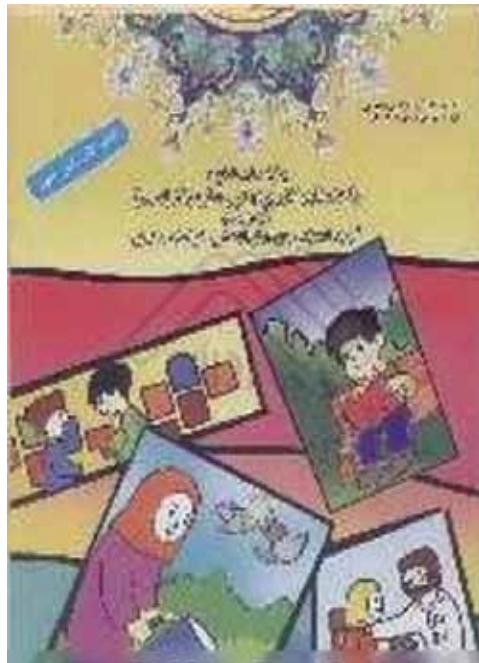
ما باید به‌عنوان عضو کوچکی از دریای بزرگ انسان‌ها بکوشیم این صفات پسندیده را در خود و دانش‌آموزانمان تقویت کنیم. من به‌عنوان مجری کوچکی از این طرح خوب و بزرگ تلاش کردم چند هدف را در کلاس‌هایم تقویت کنم.



خود آن‌ها در کلاس نصب می‌کردم، به قانون‌های آن‌ها احترام بگذارم. در کنار اجرای قانون‌های خودشان، سعی می‌کردم نظم، رعایت احترام و ادب، مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، دوستی، قناعت و پرهیز از اسراف، صداقت، امانت‌داری، تفکر و... را نیز به آن‌ها آموزش دهم.

مثلاً در بخش‌هایی از کتاب حرفه‌وفن قسمتی با عنوان «بحث کنید» داریم. در اجرای این قسمت بر احترام و ادب و رعایت نوبت در صحبت کردن و همکاری با سایر دانش‌آموزان در بحث تأکید کردم. در پایان سال دانش‌آموزان آموختند که برای صحبت کردن باید اجازه بگیرند و حرف همدیگر را قطع نکنند و به نظرات همدیگر احترام بگذارند، حتی اگر خلاف نظراتشان باشد. نظر همدیگر را تحمل کنند و بهترین نظر را انتخاب کنند و با رأی اکثریت آن را با همکاری همدیگر اجرا کنند. همیشه هم دانش‌آموزانی را که با رعایت نوبت، ادب و احترام حرف می‌زدند، تشویق می‌کردم.

در بخش دیگری از کتاب «فکر کنید»ها را داشتیم که تلاش می‌شد در کلاس فرصتی برای «تفکر و تعقل» به دانش‌آموزان داده شود تا دانش‌آموز بتواند به نعمت‌های خداوند پی ببرد، قدر آن‌ها را بداند، در نگهداری آن‌ها بکوشد و در نهایت از وجود نعمت‌های خداوندی به خالق آن‌ها پی ببرد. مثلاً در درس زنبور عسل کوشیدم از آیات قرآنی و تحقیقات علمی انجام شده درباره زنبور عسل، با احترام به محقق، استفاده کنم. در پایان سال مشاهده کردم که دانش‌آموزان در صحبت‌های خود بیشتر به نعمت‌های خدا توجه دارند و هرچه را که دارند، نعمت الهی می‌دانند. از خالق مهربان خود شاکرند، از اسراف می‌پرهیزند و همدیگر را به این کار تشویق می‌کنند و من عملاً



وقتی بار اول درباره این طرح شنیدم، با خود فکر کردم این همه خوبی را چگونه می‌توان ایجاد و دانش‌آموزان را به سمت آن‌ها هدایت کرد! با خود فکر کردم در کلاس من آن‌قدر کار هست که وقتی برای این کارها نمی‌ماند، ولی به تدریج دیدم که می‌توانم من هم کارهایی بکنم و تأثیرش را ببینم.

با توجه به تنوع کارم در کلاس‌های حرفه‌وفن، همواره بر این نکته تأکید می‌کردم که ارزش انجام دادن هر کار و شغلی، داشتن علاقه به آن است و هیچ کاری در دنیا ارزش انجام دادن آن را ندارد، مگر از انجام دادن آن لذت ببریم. به همین دلیل، به داشتن «هدف»، «انتخاب رشته»، «شغل» خوب برای آینده و «برنامه‌ریزی» برای رسیدن به آن اهداف تأکید می‌کردم.

برای رسیدن به اهداف متعالی زندگی همواره به داشتن «قانون مدون» در کلاس‌های درس تأکید داشتم و دانش‌آموزان را به رعایت آن‌ها موظف می‌کردم و می‌کوشیدم با تشویق و رعایت قانون‌های خودساخته دانش‌آموزان که با همفکری

دانش‌آموزان آموختند که برای صحبت کردن باید اجازه بگیرند، حرف همدیگر را قطع نکنند و به نظرات همدیگر احترام بگذارند، حتی اگر خلاف نظراتشان باشد. نظر همدیگر را تحمل کنند، بهترین نظر را انتخاب کنند و با رأی اکثریت آن را با همکاری همدیگر اجرا کنند

در تمام کلاس‌هایم درصد بالایی از دانش‌آموزان در آوردن وسایل مورد نیاز با گروه همکاری داشتند و به قول خود عمل می‌کردند. در ساخت وسیله مشارکت و همفکری می‌کردند و با حفظ احترام و ادب نظرات همدیگر را قبول یا رد می‌کردند



ای کاش تعداد  
دانش آموزانم کم  
بود و با همان  
تعداد، ساعات  
بیشتری را  
می گذراندم و سعی  
می کردم جلوی  
بدآموزی آن‌ها را از  
ماهواره، فیلم‌های  
بد و... بگیرم.  
اولیا را با بینش  
عمیق تر در این  
طرح دخیل کنم و  
همکاری رسانه‌ها را  
با اجرای بهتر طرح  
داشته باشم



کلاس‌هایم داشتیم، در پایان سال دیدم که حتی می‌توانم جلسه امتحان را برای لحظاتی ترک کنم، بدون اینکه تغییری صورت بگیرد. حتی اگر تغییری صورت می‌گرفت، خیلی از بچه‌ها به متقلب اعتراض می‌کردند و مانع او می‌شدند. بچه‌ها خودشان می‌گفتند که در زنگ شما خجالت می‌کشیم تقلب کنیم. این نتیجه‌ها رضایت‌بخش بود.

البته دوست داشتم زمان بیشتری در اختیار می‌داشتم تا بیشتر روی کارهای خوب تأکید کنم و ای کاش می‌توانستم عوامل مزاحم دخیل در طرح بسیار خوب کرامت را هم کنترل کنم، مثلاً ای کاش تعداد دانش‌آموزانم کم بود و با همان تعداد، ساعات بیشتری را می‌گذراندم و سعی می‌کردم جلوی بدآموزی آن‌ها را از ماهواره، فیلم‌های بد و... بگیرم. اولیا را با بینش عمیق‌تر در این طرح دخیل کنم، همکاری رسانه‌ها را با اجرای بهتر طرح داشته باشم. از تجربه‌های سایر همکاران استفاده کنم و تمام عواملی را که در جامعه برخلاف خوبی‌ها وجود دارد، از دید ذهن بچه‌ها پاک کنم تا همیشه و همه‌حال، خوب بودن را از خوب‌ها الگو بگیرند و انجام دهند و چیزی را نبینند که بر آن‌ها تأثیر منفی بگذارد تا بتوانند پله‌های نردبان کرامت را بالا روند و به کمال واقعی برسند.

#### پی‌نوشت

۱. پاداشی که برای کارهای خوبشان در نظر می‌گرفتم، امضای قسمت تشویق کارت رابطشان بود که اگر تعداد تشویق‌ها به حد نصاب می‌رسید، از کمد جوایز مدرسه، جایزه‌ای، به انتخاب خود دانش‌آموز، به او داده می‌شد.

#### منابع

۱. قرآن کریم
۲. مرادحاصل، مهدی و همکاران، راهنمای عملی آموزش مهارت‌های زندگی و آداب اجتماعی. انتشارات رسانه تخصصی. ۱۳۸۷.

کارهای خوبشان را تشویق می‌کردم و به آن‌ها پاداش می‌دادم! در بخش دیگری از درس که به «فعالیت‌های عملی» مربوط می‌شد، دائماً کوشیدیم به موضوعات «نظم و مدیریت زمان» و «کمک به همدیگر»، «نوع دوستی»، «همدلی»، «اسراف نکردن»، «رعایت بهداشت و نظافت هنگام کار»، «مسئولیت‌پذیری»، «وفای به عهد»، «احترام به نظرات دیگران» و... در ساخت وسیله‌های دست‌ساز دانش‌آموزان تأکید کنم؛ به طوری که در تمام کلاس‌هایم درصد بالایی از دانش‌آموزان در آوردن وسایل مورد نیاز با گروه همکاری داشتند و به قول خود عمل می‌کردند. در ساخت وسیله مشارکت و همفکری می‌کردند و با حفظ احترام و ادب نظرات همدیگر را قبول یا رد می‌کردند. با گروه‌های دیگر همدلی داشتند و می‌کوشیدند کمبودهای وسایل کار همدیگر را با همکاری هم تأمین کنند. حتی وفای به عهد و مسئولیت‌پذیری به قدری در آن‌ها تقویت شده بود که حتی دانش‌آموز غایب هم وظایف و مسئولیت خود را انجام می‌داد و از طریق دوستان یا خانواده‌اش به مدرسه می‌فرستاد.

موضوع خوش حال‌کننده دیگر این بود که می‌دیدم بچه‌ها به سلیقه‌های هم احترام می‌گذارند، بهترین را اجرا می‌کنند و دعوای مخصوص دوره نوجوانی شان کم شده است و با هم بهتر کار می‌کنند. این‌ها همه تأثیر قصه‌ها، خاطرات، حرف‌ها، آیات، احادیث، روایت‌ها و شعرهایی بود که گاه و بی‌گاه در کلاس برای بچه‌ها می‌گفتم و بسیار عالی بود. صداقت را عملاً در اکثر بچه‌ها می‌دیدم. با صحبت‌هایی که در مورد صداقت در

